

باسمه تعالی

## بررسی فقهی الحاق به کنوانسیون بین المللی CFT

الحاق به کنوانسیون cft از آن جهت که یک فعل و عمل است - اگر چه عمل یک دولت و حکومت باشد نه شخص - علم فقه صلاحیت بررسی حکم تکلیفی آن را طبق همان تعریف رایج خود دارد. (العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه المتعلقه عن ادلتها التفصیلیه) معالم الدین فی الاصول ص 22

البته همانطور که برای هر فقیه و متفقهی واضح است در بسیاری از موارد بررسی و تحلیل موضوع در حیظه وظایف فقیه نیست. الحاق به کنوانسیون های بین المللی هم از همین موارد بسیار هستند.

اگر چه برای هرکسی که شناخت روشنی از دنیای امروز داشته باشد پر واضح است که واژه هایی چون جامعه بین الملل جز بازی های رسانه ای نیستند و آن مرکزی که تاثیر گذار است چند ابر قدرت اند که خود را با قدرت اقتصادی و رسانه ای به عنوان نماینده جامعه بین الملل معرفی می کنند که همین امر سبب می شود هر فرد مسلمان با خردی به هر قرار داد بین المللی با دیده تردید بنگرد!

اما فارغ از این بحث ما ابتدا به بررسی موضوع طبق نظر کارشناسان اقتصادی و حقوقی و بعد از تنقیح موضوع به بررسی حکم آن طبق موازین شرع مقدس خواهیم پرداخت: احاطه نظام سلطه به اطلاعات مالی و تبادلات و تراکنش های داخلی:

**افشای اطلاعات افراد و سازمان های کشور برای کشور های خارجی با توجه به الف. توصیه 37 سازمان FATF در خصوص همکاری قضایی:** که کلیه اختیارات ویژه در ارتباط با تهیه، جستجو و ضبط اطلاعات، اسناد یا شواهد (از جمله سوابق مالی) نهادهای مالی یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی و اخذ اظهارات شهود را به دستگاه ها و ضابطان قضایی خارجی را اعطا می کند

ب. توصیه 40 سازمان که در مورد تبادل اطلاعات است موجبات افشای اطلاعات مالی اشخاص، نهاد ها و سازمان های جمهوری اسلامی را با توجه به سپردن اختیارات و امکانات ذیل فراهم می آورد

ب.1. اعطای اختیار لازم به سازمان FATF برای استفاده از موثرترین ابزار ها برای همکاری در زمینه تبادل اطلاعات

ب.2. اشتراط عدم ممانعت (جمهوری اسلامی) از کمک و جلوگیری از تبادل اطلاعات و عدم شرط گذاری غیر منطقی در این فرآیند (توسط ایران)

ب.3. قدرت استعلام مراجع خارجی به نیابت از یکدیگر و امکان تسهیم و توزیع اطلاعات کسب شده از جمهوری اسلامی مابین آنها

ب.4. قدرت تبادل اطلاعات مالی ایران بین واحد های اطلاعات مالی موسوم به FIU (عالی ترین نهاد مرتبط با سازمان FATF در هر کشور) در کشور های دیگر

ب.5. اختیار تبادل اطلاعات مالی ایران بین ناظران مالی خارجی تحت عناوین تبادل اطلاعات نظارتی، اطلاعات احتیاطی و اطلاعات مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم

ب.6. قدرت تسهیم اطلاعات مالی ایران میان ضابطان قضایی خارجی

پ. مطابق با عبارات ذیل که در برنامه اقدام ایران و FATF قید شده است امکان تحصیل اطلاعات مالی اشخاص و سازمان های خصوصی ایرانی به بهانه همکاری های قضایی برای طرف خارجی خواهد آمد.

پ.1. تضمین اینکه ایران بر اساس معاهدات، سایر موافقت نامه ها یا عمل متقابل دارای مبانی حقوقی مناسب جهت انجام همکاری های قضایی گسترده ای در زمینه پولشویی و تامین مالی تروریسم، تحقیقات مربوط به جرایم منشا، پیگرد و عواید مرتبط با آنها می باشد و می تواند مطابق استانداردهای FATF تبادل اطلاعات موثری با طرف های خارجی داشته باشد.

پ.2. تضمین ارایه همکاری بین المللی توسط ایران در زمینه تبادل و به اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به ذی نفع واقعی حساب ها و تراکنش های صورت گرفته در ایران.

پ.3. تضمین وجود دروازه‌ها و کانال‌های تبادل اطلاعات غیرقضایی در ایران با مراجع غیرقضایی خارجی به منظور به اشتراک‌گذاری اطلاعات مالی ایران بدون هیچ محدودیتی.

بررسی فقهی

یکی از قواعد مسلم فقهی نزد تمامی فقهای شیعه قاعده نفی سبیل است که مودای آن نفی هرگونه ولایت و تصرف و سلطه کفار بر مسلمین می باشد. این قاعده در طول تاریخ شیعه بارها مستمسک فقهای شجاع امامیه قرار گرفته است و به مقتضای آن مجاهد بودن ایشان اثبات گردیده است. (برای نمونه رجوع شود به استفتاءات، بهجت، ج3، ص187)

ویژگی‌های که گذشت به صورت واضح نمایانگر وجود سبیل و سلطه ی کفار بر نظام مالی حکومت اسلامی است که طبق قاعده نفی سبیل قطعاً مفاد این قرار داد حرام شرعی است.

بر فرض اینکه کسی این مدعای ما را نپذیرد به او خواهیم گفت علی الاقل شک و خوف تسلط بر نظام مالی وجود دارد و طبق قاعده خوف بر بیضه الاسلام همین احتمال و ترس برای تنجز حکم کافی است. این قاعده نیز در لسان فقها بارها تکرار شده است. (برای نمونه استناد به این قاعده در کتاب الحکومه الاسلامیه آیت الله قمی ص 505 قابل مشاهده است.) پس همینکه احتمال به خطر افتادن کیان مسلمین با تسلط بر امور مهمه هست برای نپذیرفتن این کنوانسیون کافی است.

## 2- داخلی سازی تحریم‌ها (خود تحریمی)

با توجه به مفاد توصیه هفتم سازمان، ایران متعهد خواهد شد تحریم‌های مالی هدفمند مرتبط با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی را بدون درنگ اجرا کند و این یعنی تحریم داخلی افراد و سازمان‌های ایرانی موجود در لیست تحریمی قطعنامه 2231 شورای امنیت و به عبارت دیگر تحریم افراد و سازمان‌های ایرانی که به موجب این قطعنامه مشمول تحریم خارجی شده اند در ایران.

در بند 21 و 31 برنامه اقدام FATF داریم:

بند 21 : تضمین اجرای تمامی الزامات مربوط به شناسایی یا احراز هویت ذی‌نفع واقعی در تمامی موارد از جمله زمانی که مشتریان اشخاص حقوقی باشد.

بند 31 : تضمین ارائه همکاری بین‌المللی در زمینه تبادل و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به ذی‌نفع واقعی.

بنابراین با اجرای این دو بند ، بستر مناسبی برای اجرای تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا در خاک ایران توسط نظام بانکی ایران فراهم می‌شود. با توجه به اینکه 182 فرد، نهاد و موسسه ایرانی در لیست تحریم‌های ثانویه بانکی آمریکا قرار دارند و همچنین 87 فرد و نهاد ایرانی کماکان در لیست تحریمی قطعنامه 2231 شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد؛ در صورت شناسایی ذی‌نفع واقعی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات آن، شاهد اعمال تحریم‌ها از سوی بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی ایرانی که در لیست تحریم قرار ندارند، علیه افراد و نهادهای ایرانی که در لیست تحریم قرار دارند، خواهیم بود. چراکه بازیگران اقتصادی ایرانی باید یکی از این دو گزینه را انتخاب کنند. یا با نهادهای تحریمی ایرانی همکاری کنند و در مقابل، عدم همکاری بانک‌های خارجی و قرار گرفتن مجدد در لیست تحریم را تحمل کنند و یا نهادهای تحریمی ایرانی را تحریم کرده و از فضای ایجادشده پس از توافق با سازمان FATF استفاده کنند. طبیعی است که برخی از بازیگران در مواجهه با این وضعیت گزینه دوم را انتخاب کنند. در نتیجه مواجهه اقتصادی ایران - آمریکا تبدیل به مواجهه اقتصادی ایرانی-ایرانی می‌شود. لذا باید خودتحریمی را هزینه شناسایی ذی‌نفع واقعی دانست و خوشحالی دشمن از اجرای برنامه اقدام FATF را برنامه ای برای اجرای خودتحریمی در داخل کشور دانست.

بررسی فقهی

امیرالمومنین چه زیبا فرمودند که " فَوَاللَّهِ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا "

نهج البلاغه خطبه 27

جای بسی شگفتی است که این چنین عقب نشینی کنیم تا در خانه ی خودمان با ما بجنگند.

زمانی که قرآن در باره اهل ذمه می‌فرماید: حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛ (29 توبه) آیا می‌توان فرض کرد که برایی کفار حربی اندک هیمنه و تسلطی را اجازه دهد؟ در دینی که اجازه داده نمی‌شود غیر مسلمانان کنیسه‌ها و حتی خانه‌های خود را مرتفع‌تر از خانه‌های مسلمین بسازند (جواهر الفقه ص 52) در تعامل با کافرانی و مستکبرانی چون آمریکا در سازمانی که شیوه رای‌گیری در آن اجماعی است یعنی تاثیر گذاری آمریکا و مانند آن که دشمنی آنها نیاز به دلیل ندارد تاثیر مستقیم دارد چه زجر و منعی خواهد کرد؟!

در نهایت امر اگر کسی بگوید که ما هم می‌پذیریم حکم اولی الحاق به کنوانسیون مزبور حرمت است اما از باب تراحم با امری مهم‌تر که تقویت اقتصاد کشور است دست از حرمت برمی‌داریم و در واقع از این جهت امری جائز بلکه واجب می‌شود خواهیم پرسید دلیلتان چیست؟ اگرچون آقای ظریف این را بگوید: نه بنده و نه آقای رئیس‌جمهور نمی‌توانیم تضمین بدهیم با پیوستن به این کنوانسیون مشکلات حل خواهد شد ولی تضمین می‌دهیم با پیوستن به آن، آمریکا مشکلات را برای ما ایجاد خواهد کرد. خواهیم گفت: به هیچ وجه نمی‌تواند با این بهانه تراحمی را به وجود آورد چرا که به گفته‌ی قرآن

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ

واقعا این چه خیال خامی است!؟

آیا می پندارند اگر از آن‌ها بهانه fata گرفته شود دیگر بیچاره خواهند شد و به چه کنش فلسفی خواهند افتاد که به چه بهانه ای آنها را تحریم کنیم؟! آیا جز فرموده قرآن است که باید به صورت کامل از آنها پیروی کنیم و دین و دنیای خود را به آنها دهیم تا از ما راضی شوند؟

آیا آقای ظریفی که مشروعیتش به نصب ولی امر است سخن امام امت را نشنیده است که ((دشمنی، دشمنی عمیق است، دشمنی سطحی نیست. مخالفت بر اساس و بر محور مسئله‌ای مثل مسئله‌ی اتمی نیست، این را همه فهمیده‌اند؛ بحث، فراتر از اینها است. بحث این است که اینها با نظامی که در این منطقه‌ی حسّاس سر بلند کرده، ایستاده، قد برافراشته، رشد کرده، با ظلمهای آمریکا مخالفت میکند، نسبت به آمریکا هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری نمیکند، روحیه‌ی مقاومت را در منطقه توسعه میدهد، پرچم اسلام را در دست گرفته مخالفند؛ عمیقاً مخالفند. مسئله‌ی آنها این است که این نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نباید باشد؛ نه فقط این نظام نباشد، [بلکه] آن مردمی که این نظام را حمایت میکنند یعنی ملت ایران هم منفور سران حکومتهای آمریکایند. یکی از معاونان رئیس‌جمهور آمریکا - نه این رئیس‌جمهور، یکی از رؤسای جمهور قبلی - صریحاً گفت که

ما باید ریشه‌ی ملت ایران را -نه ریشه‌ی جمهوری اسلامی را- بکنیم. خب، پس مسئله‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی مسئله‌ی این نیست که حالا دعوای اینها مثلاً سر قضیه‌ی هسته‌ای یا سر قضیه‌ی موشک یا مانند اینها باشد؛ نخیر، قضیه‌ی هسته‌ای و موشک و امثال اینها هم یک داستان دیگری دارد یعنی تکیه‌ی روی آنها برای این است که عناصر مؤلفه‌ی قدرت جمهوری اسلامی را اینها می‌خواهند از بین ببرند. اینها مؤلفات قدرت جمهوری اسلامی و اقتدار ملت ایران است؛ از این جهت است که روی اینها تکیه می‌کنند. این هم این تجربه، و از این تجربه نمی‌شود صرف‌نظر کرد. یادمان باشد که آمریکا دشمن ملت ایران و دشمن نظام جمهوری اسلامی است؛ [آن هم] دشمنی عمیق. بحث هسته‌ای و اتمی و این حرفها نیست؛ بحث اصل نظام جمهوری اسلامی است. دیدار با مسئولان

نظام 97/3/2

اگر ایشان نیک بنگرند خواهند دید که آیه کریمه و سخن حکیمانه مستظهر به تجربه برجام نیز هستند.

3- مغایرت با اصل 154 قانون اساسی و دفاع از ملت‌های مظلوم و جهاد دفاعی  
1. اساسی‌ترین مسئله درباره لایحه الحاق ایران به کنوانسیون TF، مغایرت با اصل 154 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این اصل عبارت است از: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق

و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

این کنوانسیون هرگونه اقدامی که از سوی مردم یک کشور در راستای مقابله با استعمار یا اشغال خارجی صورت بگیرد را از مصادیق تروریسم استثنا نکرده است. بنابراین الحاق به این کنوانسیون، در عمل موجب سلب اختیار جمهوری اسلامی در حمایت از جبهه مقاومت خواهد شد. به عنوان نمونه در حال حاضر حزب الله لبنان از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا و حتی شورای همکاری کشورهای خلیج فارس تروریست اعلام شده است.

از طرفی بر اساس معاهده وین -نظام حاکم بر کنوانسیون‌ها- امکان استثنا گذاری بر مفاد کنوانسیون‌ها تنها در صورتی امکان پذیر است که این مهم در خود کنوانسیون محدود نشده و یا مغایر هدف و غرض اصلی کنوانسیون نباشد. در ماده 19 این معاهده -تنظیم حق شرط- آمده است: «یک کشور هنگام امضاء، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده میتواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را مشروط کند مگر در صورتیکه: الف. معاهده، حق شرط را ممنوع کرده باشد؛

ب. معاهده مقرر کرده باشد که حق شرط فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست، مجاز است؛ یا

ج. در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی که حق شرط با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.»

باید توجه داشت که در کنوانسیون تامین مالی تروریسم، هدف اصلی تعریف یکسان تروریسم در دنیا می باشد. پس هیچ حق شرطی که این هدف را نقض می‌کند، مورد قبول نیست. بنابراین دولت حتی در صورت استفاده از حق شرط در عوض بیانیه تفسیری قادر به استثنا کردن نهضت‌های آزادی‌بخش از مصادیق تعریف تروریسم بر اساس تعهدات بین المللی نخواهد بود و سایر کشورها میتوانند نسبت به حق شرط ایران اعتراض کنند.



در صورت پذیرش کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم (TF)، سایر کشورها قادر خواهند بود که اقدامات ایران در حمایت از جبهه مقاومت را نقض کنوانسیون محسوب کرده و به شورای امنیت سازمان ملل گزارش دهند. بر اساس قطعنامه 1373 که ذیل فصل هفت شورای امنیت سازمان ملل مصوب 2001 می‌باشد عدم اجرای تعهدات این کنوانسیون از سوی کشورهای متعهد، میتواند کشور ناقض را هدف تحریم-های فصل هفتم شورا قرار دهد.

در کنوانسیون تأمین مالی تروریسم تعریفی از تروریسم بر مبنای تفکر غربی ارائه میشود و مغایر قانون اساسی و زمینه ساز تحریم و تهدیدهای امنیتی میباشد. در تعریف کلی ارائه شده از تروریسم و عملیات تروریستی تفکیکی میان اقدامات و مبارزات مشروع نهضت‌های آزادی بخش با گروه‌های تروریستی نشده است.

در رابطه با این موضوع تجارب موجود در رابطه با کشور مصر راهگشاست. کشور مصر در هنگام الحاق به کنوانسیون صریحاً طی شرطی اعلام داشته است که "کشور جمهوری عربی مصر مقاومت به هر شکل آن از جمله مقاومت مسلحانه در مقابل اشغال خارجی و تجاوز ارضی را به منظور آزادسازی و دفاع از خود، بعنوان عمل تروریستی مندرج در ماده 2 کنوانسیون نمی‌داند"

اما کشور های غربی من جمله هلند با این شرط کشور مصر مخالفت کرده اند و رسماً اعلام داشته اند "بیانیه مصر بر خلاف ماده 6 کنوانسیون است و شرط مغایر با هدف و منظور کنوانسیون اجازه داده نشده است. کشور هلند بر اساس آنچه فوقاً بیان شد با بیانیه جمهوری عربی مصر مخالفت مینماید.

لذا مثال موجود بیانگر این امر است که بهانه‌هایی همچون حق تحفظ و یا شرط گذاری بهانه‌هایی واهی بوده و عملاً این شروط مورد مخالفت اعضای کنوانسیون قرار خواهد گرفت و این امر با اصل 154 قانون اساسی مغایرت دارد.